

## کابوس تهدید دائمی، و آفتاب پرستان نظام جهل و سرمایه

به یاد داریم قبل از خیزش های سال 88 مقاله ای از جمعی از فعالین کارگری (جافک) منتشر شد\* در مورد چه کسی مسئول سوانح کاری است؟ در اون مقاله با سئوالاتی برخورد میکردی که خیلی قابل تامل بود و کمی بعد از آن با مرگ دلخراش رفیق **سلیمان** کارگر مبارزه ی که جان خود را در حین کار از دست داده بود روبرو شدیم و بار دیگر با این پرسش جدی روبرو شدیم **علت اساسی وقوع این سوانح بشمار و دائمی کیست؟** و اینک شنیدن خبر مرگ تعدادی از دانشجویان و دانش آموزان در شهر های مختلف توسط سوانحی که در دانشگاه ها و مکان های آموزشی رژیم **جهل و سرمایه**، اتفاق افتاده. باردیگر خشم دانشجویان مبارز و آگاه، همه آزادیخواهان و استبداد ستیزان را برانگیخته است.

...

آمنه زنگنه، دانشجوی ورودی ۸۹ کارشناسی ارشد نوبت دوم رشته پلیمر دانشگاه امیرکبیر بر اثر استنشاق گاز ناشی از اسید دچار خفگی شده و درگذشت. آمنه زنگنه، بدلیل سهل انگاری مسئولان دانشگاه جان خود را از دست داد. در روز های بعد دانشگاه صحنه اعتراضات دانشجویی بود. مدیریت دانشگاه امیرکبیر در اطلاعیه ای معترضان را «عده ای قلیل خواند که در صدد بر هم زدن نظم عمومی دانشگاه هستند» و هشدار داد که در صورت تداوم این روند «مسببان اینگونه اقدامات معرفی و اقدامات قانونی بازدارنده در مورد آنها به کار گرفته خواهد شد.»



آتش سوزی در دبیرستان شبانه روزی وابسته به دانشگاه چابهار، موجب مرگ دو دانش آموز و سوختگی شدید سه دانش آموز دیگر شد.

"برهان الدین بلیده" دانش آموز مصدوم حادثه خوابگاه چابهار که ۶۰ درصد دچار سوختگی شده بود دقایقی پیش در بیمارستان مطهری تهران درگذشت.

بامداد 16 آبانماه 89 یعنی حدود یکسال پیش به دلیل اتصال سیم های برق، خوابگاه مدرسه شبانه روزی چاه رحمان نصرت آباد زاهدان آتش گرفت و دانش آموزان در خواب غافلگیر شدند. در آن سانحه دانش آموزی به نام "مراد نارویی" به دلیل خفگی ناشی از استنشاق دود جان سپرد و 14 تن مصدوم و مسموم شدند. خوابگاه دانش آموزان مدرسه شبانه روزی چاه رحمان یک سالن 12 در 4 متری بود که 97 دانش آموز در آن ساکن بودند و شب حادثه هیچ یک از مسئولان مدرسه به عنوان کشیک شب در محل حضور نداشتند.



### خانواده های سه دانش آموز سوخته در آتش دانشگاه چابهار!

آیا بروز این حوادث طبیعی است؟ مسئول اینگونه حادثه های مرگبار چه نهادی است؛ وزارت آموزش و پرورش؟ وزارت علوم تحقیقات و فن آوری؟

...و کماکان همان **علت اساسی وقوع این سوانح بشمار و دائمی کیست؟**

## آفتاب پرستان نظام جهل و سرمایه

کمیسیون آموزش: حادثه آتش سوزی خوابگاه چابهار را رسیدگی می کند  
وزیر آموزش و پرورش: مسئولیت حادثه بر عهده وزارتخانه متبوعش نیست، چرا که مدرسه متعلق به دانشگاه دریانوردی چابهار بوده و خوابگاه ها نیز از سوی همین دانشگاه تهیه شده اند.

احمد حیدری "معاون حقوقی، امور مجلس و استان های وزیر آموزش و پرورش: «از آنجا که دانشگاه دریانوردی چابهار مجوز این مدرسه را گرفته است پس مسئولیت این حادثه نیز با خود آنها خواهد بود».



مسئول دانشگاه دریانوردی چابهار: مسئولیت بر عهده آموزش و پرورش است.

حاجی بابایی خاطر نشان کرد: «تمام توانمان را به کار می گیریم که چنین اتفاقاتی در آموزش و پرورش رخ ندهد».  
"سید حسن علوی" مدیرکل فنی و دفتر نظارت من بازنشسته شده ام و تاکنون هم مدیر دیگری جایگزین نشده است

... و فکر میکنید بودجه های سر سام آور در داخل دانشگاه ها برای ورود و خروج دانشجویان و یا سنگ مزار برای "شهدای گمنامشان" ضروری است یا مشکلات فنی و باز سازی ساختمان های دانشگاه ها؟

**در چابهار بیمارستان سوانح سوختگی نیست!!**

**: بیمارستان 720 کیلومتر آن طرف تر در زاهدان است!!**

**: سوختگی احتمال عفونت دارد پس زمان مهم است!**

**: باید از سریع ترین وسیله ای که دارای شرایط ایزوله باشد برای انتقال مصدومان استفاده کرد.**

**: در آن منطقه بهترین راه استفاده از یک هواپیماست که در آن اتاقک های مخصوص تعبیه کنند و مصدومان را در نخستین فرصت به تهران برسانند**

**: بچه ها را در آمبولانس های معمولی می گذارند و تمام 720 کیلومتر تا زاهدان را بدون امکانات لازم و پزشک می برند.**

...

شماره را یکی از دانش آموزان گرفته بود و گوشی را کنار گوش «فرشید درزاده» گرفته بود؛ همان دانش آموزی که وقتی از هجوم دود و حرارت از خواب پرید، سعی کرد تا دانش آموزان دیگر را از پنجره اتاق بیرون بیفکند مگر جانانشان را نجات دهد. وقتی «جمال» را پای پنجره برد و کمکش کرد که بیرون برود برگشت تا یکی دو نفر دیگری را که حدس می زد هنوز میان دود مانده باشند بیرون بکشد. سنگین بودند. فرشید برگشته بود و به بچه ها گفته بود خیلی سنگین بودند. نفهمیده بود که آن دو نفر (قاسم حیرتی و قنبر قریب) مرده اند. این دو هم مدرسه ای اش در خواب با استنشاق دود فراوان جان داده بودند. فرشید حالا چیزی از درد نمی دانست. سوختگی 90 درصد را با درد کاری نیست. همه عصب هایش از بین رفته اند و درد نمی کشد. قبل از اینکه با آمبولانس از مدرسه دور شود از یکی از بچه ها خواسته بود تا شماره پدرش را بگیرند و به پدرش التماس کرده بود که خودش را برساند. پدر آمده بود توی آمبولانس کنار پسرکش نشسته بود و از چابهار تا زاهدان تمام 720 کیلومتر فاصله را کنار پسرش توی آمبولانس نشسته بود و رنج کشیدن فرزندش را زجر می کشید و تماشا می کرد و بعدتر در تهران هم بالای سرش مانده بود. تا آخرین لحظه تنهایش نگذاشت، صدا هنوز توی گوشش طنین می انداخت؛ «بابا خودت را برسان» دیر رسیده بود هر چند که اگر زودتر هم می رسید کاری از دستش بر نمی آمد.

و بعد می شود فکر کرد که پدر و مادری فرزندش را برای زنده ماندن از مدرسه رفتن منع می کند؛ مادری که ضجه می زند و خودش را نفرین می کند که کاش جلوی درس خواندن بچه اش را گرفته بود. چه می شد درس نمی خواندی اما زنده می ماندی؟

**مگر جان انسانها برای این رژیم جهل و سرمایه مهم است.**

## واقعیت چیست؟ سوانح کاری از کجا ناشی می شود؟

عدم رعایت اصول ایمنی جزء مشخصات و «استاندارد»های همیشگی رژیم چهل و سرمایه است. به نظر می آید که نباید در مراکز دانشگاهی و مراکز آموزشی این نوع سوانح کاری پیش بیاید! اما در همین مراکز آموزشی و دانشگاهی هم سوانح کاری بسیاری رخ می دهد. به یک دلیل ساده که حفظ شرایط مناسب (نوسازی و تجهیز مدارس، بازدید دوره‌ای و کنترل تجهیزات، اطمینان از رعایت ضوابط و استانداردها در همه بخش‌های آموزشی از جمله خوابگاه‌های دولتی و غیردولتی است)، برای مراقبت منظم برای تضمین سلامتی و بهداشت در محیط‌های آموزشی، **هزینه بر** است. این هم جزء هزینه‌هایی است که سرمایه داران به هر شکل از آن می زنند و مخدوش می کنند. بدون شک نتیجه این «صرفه جویی»، بالا رفتن ریسک وقوع سوانح است.

بنابراین فجایعی نظیر آنچه در چابهار و نقاط دیگر ایران بارها رخ داده اساساً نه ناشی از «بی توجهی» و «سهل انگاری» این یا آن مقام دولتی است و نه حتی نتیجه «دله دزدی»هایی که معمولاً از بودجه‌های استانی می شود. ما با یک **نظام اقتصادی - اجتماعی** به نام **سرمایه داری** روبرو هستیم که هدف و جهت گیری اش **کسب سود** است و **گسترش** مداوم سرمایه. منطق بیرحم و خونسرد چنین نظامی به راحتی می تواند میلیون‌ها نفر را در آفریقا به **دام قحطی** بیندازد، ده‌ها هزار کارگر و کارمند جزء را در کشورهای سرمایه داری پیشرفته یک شبه **بیکار** کند، صدها هزار نفر را با بورس بازی و معاملات بانکی به **خاک سیاه** بنشانند و **بی خانمان** کند، سالانه ده‌ها کارگر را در **عمق معادن** چین زنده به گور کند و... در **آتش سوختن کودکان و نوجوانان** مدرسه ای در ایران نیز مستقیماً به مقولات «مجرد و بی احساس» اقتصادی مانند **تخصیص سرمایه، اولویت‌های سرمایه گذاری، تامین بودجه و دخل و خرج** ربط دارد. مرهم این سوختگی، یا بهتر بگوییم **علاج قطعی این درد، برانداختن نظام سرمایه داری و دستگاه سرکوبگر حکومتی است که از آن حفاظت می کند.**

بودجه‌هایی که از صندوق ذخیره ارزی! برای نوسازی و تجهیز مدارس برداشته می شود کجا خرج می شود؟

هزینه‌هایی که از مردم بابت آموزش و پرورش گرفته می شود کجا می رود؟

جمعی از فعالین کارگری (جافک)

[kargaranfa@gmail.com](mailto:kargaranfa@gmail.com)

[jafk1384.blogspot.com](http://jafk1384.blogspot.com)

\* برای دریافت مقاله چه کسی مسئول سوانح کاری است؟ رجوع شود به بخش انتشارات جافک -  
(سالنامه - از سال 1385-1388 مجموعه مقالات - اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های جافک). (<http://e-jafk.blogspot.com>) -